

# قرائت درى

سويه ء چهارم

(٤)

مکتب افغان اکادمی

مؤلف : شفيق سلطان (صدیقی)

جوزا ۱۳۷۹



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



درس هشتم: گفته های حضرت محمد ﷺ ص ۲۵

تمرین ص ۲۷، ۲۸

درس نهم: حکایت ص ۲۹

تمرین ص ۳۱، ۳۲، ۳۳

درس دهم: اخلاق حضرت محمد ﷺ ص ۳۴

تمرین ص ۳۷، ۳۸، ۳۹

درس یازدهم: حضرت ابوبکر صدیق (رض) ص ۴۰

تمرین ص ۴۲، ۴۳، ۴۴

درس دوازدهم: راست و دروغ ص ۴۵

تمرین ص ۴۷، ۴۸، ۴۹

درس سیزدهم: باغ ص ۵۰

تمرین ص ۵۱، ۵۲، ۵۳

درس چهاردهم: زلمی در خانه ص ۵۴

تمرین ص ۵۵، ۵۶، ۵۷

درس پانزدهم: من آب روان استم ص ۵۸

تمرین ص ۵۹



# درس اول (۱)

## شکر

شکر می گوئیم که خداوند (ج) مهربان  
است . خداوند (ج) برای ما جان داده است .  
خداوند (ج) برای ما چشم ، گوش و زبان  
داده است . ما می توانیم گپ بزنییم و فکر  
کنیم . خداوند (ج) برای ما پیغمبر ها روان  
کرده است . آخرین پیغمبر حضرت محمد  
مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است . ما شکر مسلمان هستیم .  
قران شریف رهنمای ما است .

# فهرست مندرجات

شکر ص ۱	درس اول:
تمرین ص ۲، ۳	
مسلمان ص ۴	درس دوم:
تمرین ص ۵، ۶	
نوروز ص ۷	درس سوم:
تمرین ص ۹، ۱۰	
احترام ص ۱۱	درس چهارم:
تمرین ص ۱۳، ۱۴	
افغانستان (۱) ص ۱۵	درس پنجم:
تمرین ص ۱۶، ۱۷	
افغانستان (۲) ص ۱۸	درس ششم:
تمرین ص ۲۰، ۲۱	
پیغمبر های ما ص ۲۲	درس هفتم:
تمرین ص ۲۳، ۲۴	



گفته های حضرت محمد ﷺ ص ۲۵      درس هشتم:

تمرین ص ۲۷، ۲۸

حکایت ص ۲۹      درس نهم:

تمرین ص ۳۱، ۳۲، ۳۳

اخلاق حضرت محمد ﷺ ص ۳۴      درس دهم:

تمرین ص ۳۷، ۳۸، ۳۹

حضرت ابوبکر صدیق (رض) ص ۴۰      درس یازدهم:

تمرین ص ۴۲، ۴۳، ۴۴

رأست و دروغ ص ۴۵      درس دوازدهم:

تمرین ص ۴۷، ۴۸، ۴۹

باغ ص ۵۰      درس سیزدهم:

تمرین ص ۵۱، ۵۲، ۵۳

زلمی در خانه ص ۵۴      درس چهاردهم:

تمرین ص ۵۵، ۵۶، ۵۷

من آب روان استم ص ۵۸      درس پانزدهم:

تمرین ص ۵۹

درس شانزدهم:

حاتم طائی و خارکن ص ۶۰

تمرین ص ۶۱، ۶۲، ۶۳

درس هفدهم:

حضرت عمر فاروق (رض) ص ۶۴

تمرین ص ۶۶، ۶۷، ۶۸

درس هژدهم:

حضرت عثمان (رض) ص ۶۹

تمرین ص ۷۱، ۷۲، ۷۳

درس نوزدهم:

حضرت علی کرم الله وجهه ص ۷۴

تمرین ص ۷۶، ۷۷، ۷۸

درس بیستم:

ترانه بهار ص ۷۹

تمرین ص ۸۰

# درس اول (۱)

## شکر

شکر می گوئیم که خداوند (ج) مهربان  
است . خداوند (ج) برای ما جان داده است .  
خداوند (ج) برای ما چشم ، گوش و زبان  
داده است . ما می توانیم گپ بزنیم و فکر  
کنیم . خداوند (ج) برای ما پیغمبر ها روان  
کرده است . آخرین پیغمبر حضرت محمد  
مصطفی صلی الله  
علیه و سلم است . ما شکر مسلمان هستیم .  
قران شریف رهنمای ما است .

سه سه بار نوشته کنید:

شکر

مهربان

خداوند (ج)

چشم

گوش

زبان

پیغمبر

محمد (ص)

مصطفی

## خانه پری و سوال ها:

- ۱- آخرین پیغمبر \_\_\_\_\_ است.
- ۲- ما شکر \_\_\_\_\_ هستیم .
- ۳- \_\_\_\_\_ رهنمای ما است .
- ۴- \_\_\_\_\_ برای ما \_\_\_\_\_ داده است .
- ۵- شکر \_\_\_\_\_ که \_\_\_\_\_ مهربان است .
- ۶- آخرین پیغمبر کی است؟ \_\_\_\_\_
- ۷- رهنمای ما \_\_\_\_\_ است .
- ۸- \_\_\_\_\_ برای ما \_\_\_\_\_ داده \_\_\_\_\_ .
- ۹- ما \_\_\_\_\_ گپ \_\_\_\_\_ و \_\_\_\_\_ کنیم .



## درس دوم (۲)

### مسلمان

من شکر مسلمان هستم . من کلمه  
میخوانم . من نماز میخوانم . من روزه  
میگیرم . من زکات میدهم . من حج میکنم  
مسلمان ها همراهی مسلمان ها کمک میکنند .  
مسلمان ها همراهی غریب ها کمک میکنند .  
مسلمان ها کار های خوب می کنند .  
نماز خواندن ، روزه گرفتن و کمک کردن  
به غریب ها از مسلمانی است .

سه سه بار نوشته کنید :

۱- کلمه

۲- نماز

۳- روزه

۴- زکات

۵- حج

۶- کمک

۷- خوب

۸- کار

۹- من



خانه پُری و سوال :

۱- من \_\_\_\_\_ مسلمان \_\_\_\_\_ .

۲- من کلمه \_\_\_\_\_ .

۳- من نماز \_\_\_\_\_ .

۴- من روزه \_\_\_\_\_ .

۵- مسلمان ها چه کار ها میکنند ؟

آمنه : ما هم هفت میوه جور می کنیم و  
درخت می نشانیم و میله می کنیم . نوروز  
روز اول بهار است . درخت ها شگوفه  
میکنند و هوا بسیار خوب می شود .  
نادیه : آمنه جان ، امشب به خانه ما بیا که  
ما میله داریم ، ما میله سمنک داریم .  
آمنه : شما میله سمنک دارید ؟ ناده جان  
تشکر ، من خانه شما می آیم . خدا حافظ .  
نادیه : خوب است ، خدا حافظ .

سه سه بار نوشته کنید :

۱- نوروز

۲- کدام

۳- میله

۴- سال

۵- هوا

۶- بلی

۷- شگوفه

۸- خانه

۹- شما

۱۰- میوه

خانه پُری و سوال ها :

- ۱- نوروز روز اول \_\_\_\_\_ است .
- ۲- نوروز روز اول \_\_\_\_\_ است .
- ۳- درخت ها \_\_\_\_\_ میکنند و هوا  
\_\_\_\_\_ خوب \_\_\_\_\_ .
- ۴- نادیه در روز نوروز چی می کند ؟
- ۵- آمنه در روز نوروز چی می کند ؟

## درس چهارم (۴)

### احترام

احترام کردن کار خوب است . احترام کردن ثواب دارد . ما شکر مسلمان هستیم . مسلمان ها به پدر و مادر خود احترام میکنند . احترام به پدر و مادر ثواب دارد . احترام به کلان ها ثواب دارد . مهربانی به نُخرد ها ثواب دارد . هر کس که به پدر و مادر خود احترام کند خداوند (ج) او را دوست میداشته باشد . هر کس که به کلان ها احترام کند خداوند (ج) او را دوست میداشته باشد . هر

کس که به نُخرد ها مهربانی کند خداوند (ج) او را دوست میداشته باشد . ما به پدر، مادر، برادر و خواهر خود احترام میکنیم . ما به پدر کلان و مادر کلان خود احترام میکنیم که ثواب دارد . ما به کاکا ، ماما ، خاله و عمه خود احترام میکنیم . ما احترام میکنیم تا خداوند (ج) ما را دوست داشته باشد و ما را کمک کند . کمک کردن به هر کس ثواب دارد .

سه سه بار نوشته شود:

احترام

ثواب

مسلمان

کلان

مهربانی

دوست

کمک

خواهر

خاله

عمه

خانه پری و سوال ها:

- ۱- احترام ————— کار ————— است .
- ۲- احترام ————— کردن ————— دارد .
- ۳- احترام به ————— ها ثواب دارد.
- ۴- هر کس که به پدر و ————— خود  
————— کند خداوند(ج) او را  
میداشته باشد.

۵- ما را خداوند(ج) دوست میداشته باشد

اگر ما :

- احترام مادر را نه کنیم - احترام پدر را

کنیم - احترام پدر و مادر را کنیم.



## درس پنجم (۵)

### افغانستان ( ۱ )

افغانستان کشور ما است . هر کس از  
افغانستان است افغان است . افغانستان بسیار  
زیبا است . افغانستان دریاها ، کوه ها و شهر  
های زیبا دارد . افغانستان ( ۲۹ ) ولایت دارد .  
پایتخت افغانستان کابل است . افغانستان  
وطن ما است افغان ها وطن خود را دوست  
دارند . افغان ها مردم خود را دوست دارند .  
من مردم خود را دوست دارم . من افغانستان را  
دوست دارم .

خانه پُری و سوال ها :

۱- افغانستان \_\_\_\_\_ ما \_\_\_\_\_ ها است .

۲- وطن ما \_\_\_\_\_ است .

۳- افغان ها \_\_\_\_\_ خود را \_\_\_\_\_

دارند .

۴- کابل شهر (خُرد ، کلان ) کندهار شهر

( کلان ، خُرد ) هرات شهر ( خُرد ، کلان )

۵- افغان ها دین خود را ( دوست دارند ،

دوست نه دارند ) .

۶- وطن ما ( . . . . . ) ما است .

مسجد ، وطن ، خانه ، مهمان

## درس هفتم (۷)

### پیغمبر های ما

خداوند کریم پیغمبر ها را روان کرد تا انسان ها را به راه خوب رهنمایی کنند و به انسان ها یاد بدهند که خداوند (ج) یکی است و خداوند (ج) خدای همه است . اولین پیغمبر حضرت آدم (ع) است . آخرین پیغمبر حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است . پدر حضرت محمد (ص) عبدالله نام داشت . مسلمان ها پیرو حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند . کار های را که حضرت محمد (ص) کرده اند ، مسلمان ها هم آن کار ها را می کنند و چیز های را که گفته اند ، مسلمان ها هم از آن گفته های شان پیروی می کنند . پیروی از گفته ها و کار های حضرت محمد (ص) برای انسان ها خوش بختی می آورد مثلاً حضرت محمد (ص) فرموده اند چیزی را که به خود میخواستید به دیگران هم بخواهید و چیزی را که به خود نه می خواستید به دیگران هم نه بخواهید .

سه سه بار نوشته شود:

- ۱- کریم
- ۲- رهنمایی
- ۳- همه
- ۴- یاد
- ۵- اولین
- ۶- داشت
- ۷- پیرو
- ۸- میخواهی
- ۹- دیگران
- ۱۰- چیز

## درس هفتم (۷)

### پیغمبر های ما

خداوند کریم پیغمبر ها را روان کرد تا انسان ها را به راه خوب رهنمایی کنند و به انسان ها یاد بدهند که خداوند (ج) یکی است و خداوند (ج) خدای همه است . اولین پیغمبر حضرت آدم (ع) است . آخرین پیغمبر حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است . پدر حضرت محمد (ص) عبدالله نام داشت . مسلمان ها پیرو حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستند . کار های را که حضرت محمد (ص) کرده اند ، مسلمان ها هم آن کار ها را می کنند و چیز های را که گفته اند ، مسلمان ها هم از آن گفته های شان پیروی می کنند . پیروی از گفته ها و کار های حضرت محمد (ص) برای انسان ها خوش بختی می آورد مثلاً حضرت محمد (ص) فرموده اند چیزی را که به خود میخواستید به دیگران هم بخواهید و چیزی را که به خود نه می خواستید به دیگران هم نه بخواهید .

سه سه بار نوشته شود:

- ۱- کریم
- ۲- رهنمایی
- ۳- همه
- ۴- یاد
- ۵- اولین
- ۶- داشت
- ۷- پیرو
- ۸- میخواهی
- ۹- دیگران
- ۱۰- چیز

## خانه پُری و سوال ها :

۱- خداوند کریم \_\_\_\_\_ ها را روان کرد تا

\_\_\_\_\_ را به راه خوب \_\_\_\_\_ کند .

۲- پیغمبر ها آمدند تا \_\_\_\_\_

\_\_\_\_\_ کند .

۳- آخرین پیغمبر کی بود؟ \_\_\_\_\_

۴- اولین پیغمبر حضرت \_\_\_\_\_ است .

۵- ما پیرو کدام پیغمبر هستیم ؟ \_\_\_\_\_

۶- \_\_\_\_\_ حضرت محمد (ص) عبدالله \_\_\_\_\_

۷- حضرت محمد (ص) میفرماید :  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_  
\_\_\_\_\_

1.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$

2.  $\frac{1}{x^3} = x^{-3}$

3.  $\frac{1}{x^4} = x^{-4}$

4.  $\frac{1}{x^5} = x^{-5}$

5.  $\frac{1}{x^6} = x^{-6}$

6.  $\frac{1}{x^7} = x^{-7}$

7.  $\frac{1}{x^8} = x^{-8}$

8.  $\frac{1}{x^9} = x^{-9}$

9.  $\frac{1}{x^{10}} = x^{-10}$

10.  $\frac{1}{x^{11}} = x^{-11}$

11.  $\frac{1}{x^{12}} = x^{-12}$

12.  $\frac{1}{x^{13}} = x^{-13}$

13.  $\frac{1}{x^{14}} = x^{-14}$

14.  $\frac{1}{x^{15}} = x^{-15}$

15.  $\frac{1}{x^{16}} = x^{-16}$

16.  $\frac{1}{x^{17}} = x^{-17}$

17.  $\frac{1}{x^{18}} = x^{-18}$

18.  $\frac{1}{x^{19}} = x^{-19}$



## درس هشتم (۸)

### گفته های حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

ما مسلمان ها پیروی حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هستیم .

بیایید با هم بخوانیم و یاد بگیریم که پیغمبر ما

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای پیروان خود چه فرموده اند:

حضرت محمد فرموده اند که شما وقتی به جنت

داخل می شوید که ایمان داشته باشید و ایمان شما

وقتی معلوم میشود که يك دیگر خود را دوست داشته

باشید و سلام دادن شما را با يك دیگر تان دوست

میسازد .

حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند : کسی که به مردم

دلسوزی نه کند خداوند (ج) هم به آن نفر دلسوزی و

مهربانی نه میکند .  
حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده اند که باید احترام مادر و  
پدر خود را بکنیم تا به جنت برویم . ما که شکر  
مسلمان هستیم بر ما لازم است تا از گفته های  
حضرت محمد (ص) پیروی کنیم و برای کس های  
دیگر که یاد ندارند هم یاد بدهیم تا همه خوشبخت  
و آرام زندگی کنیم . این وظیفه ء ما است و ما باید  
وظیفه ء خود را بشناسیم .

سه سه بار نوشته کنید :

جنت

ایمان

معلوم

سلام

دلسوزی

مهربانی

برویم

دوست

مردم

نفر

خانه پُری و سوال ها :

۱\_ ایمان شما وقتی معلوم میشود که

.....

۲\_ سلام دادن شما را با

.....

۳\_ کسی که به مردم دلسوزی نکند.....

.....

۴\_ حضرت محمد(ص) فرموده اند که باید

مادر و پدر خود را احترام کنیم تا

- به دوزخ نه رویم - به خانه برویم - پیسه

پیدا کنیم - به جنت برویم

## درس نهم (۹)

### حکایت

يك پادشاه در کشتی سفر میکرد . در کشتی  
یکنفر بود که نامش قادر بود . قادر هیچوقت در  
کشتی سفر نکرده بود و نمی فهمید که سفر کردن  
در کشتی و در آب دریا یعنی چه ؟ به این خاطر  
بسیار گریه و زاری میکرد و از ترس جانش میلرزید .  
مردم هر قدر کوشش کردند که قادر آرام شود ،  
قادر آرام نشد . مردم همه همراهی قادر به تکلیف  
بودند و هیچ نمی فهمیدند چه چاره کنند . یکنفر  
بسیار هوشیار در آن کشتی بود . نام این نفر حکیم  
بود . حکیم نزد پادشاه رفت و گفت : اگر اجازه  
بدهی من او را به يك قسمی خاموش میسازم . پادشاه

گفت : بسیار کار خوب میشود . لطفاً يك چاره  
بکنید . حکیم به مردم گفت تا قادر را به دریا  
بیاندازند . قادر چند بار زیر آب رفت نزدیک بود که  
غرق شود . نزدیک کشتی آوردندش و به کشتی بالا  
شد . وقتی که قادر به کشتی بالا شد ، در يك گوشه  
کشتی رفت خوش و آرام نشست . پادشاه حیران  
شد و از حکیم پرسید که چرا قادر آرام شده و گریه  
و زاری نمیکند . حکیم گفت که قادر غرق شدن را  
نه دیده بود و قدر سلامتی خود را نمی فهمید و حالا  
که سلامتی خود را در کشتی دیده ، خوش و آرام  
است .

قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی

گرفتار آید .

سه سه بار نوشته کنید :

کشتی

سلامتی

سفر

گریه

زاری

میلرزید

هر قدر

تکلیف

چاره

هوشیار

خاموش

غرق

آرام

جمله بسازید :

ترس

نام

خاموش

سفر

آرام

کوشش

غرق

دریا

نزد

چرا

نه می فهمید

اجازه

چاره



خانه پُری و سوال ها :

- ۱- يك ..... در ..... سفر می‌کرد .
- ۲- مردم هر قدر کوشش ..... که ..... آرام شود ، قادر .....  
.....
- ۳- قادر چرا گریه می‌کرد ؟  
.....  
.....
- ۴- حکیم نزد پادشاه رفت و گفت :  
.....  
.....
- ۵- ما باید که قدر سلامتی خود را بفهمیم وقتی که  
- در کشتی هستیم \_ در خانه هستیم \_ در مکتب  
هستیم \_ در هر جا که هستیم .
- ۶- چه وقت ما قدر سلامتی خود را می فهمیم :  
\_ که مریض باشیم \_ که به تکلیف باشیم \_ که درد  
داشته باشیم \_ همه آن ها

Handwritten text at the top of the page.

Handwritten text, second line.

Handwritten text, third line.

Handwritten text, fourth line.

Handwritten text, fifth line.

Handwritten text, sixth line.

Handwritten text, seventh line.

Handwritten text, eighth line.

Handwritten text, ninth line.

Handwritten text, tenth line.

Handwritten text, eleventh line.

Handwritten text, twelfth line.

Handwritten text, thirteenth line.

Handwritten text, fourteenth line.

## درس دهم (۱۰)

### اخلاق حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

وحیده و قاسم شاگردان لایق در مکتب افغانی خود هستند . در مکتب افغانی خود خواندن و نوشتن لسان دری ، درس های دینی و قرآن مجید را یاد میگیرند . يك روز معلم صاحب در باره ء اخلاق حضرت محمد (ص) درس داد و بعد از درس از شاگردان خواست که در باره ء اخلاق حضرت محمد(ص) گپ بزنند .

وحیده گفت : پیغمبر ما حضرت محمد(ص) اخلاق بسیار خوب داشتند . با هر کس مهربان بودند . هر وقت به دیدن مریض ها میرفتند و از احوال شان خبر میگرفتند . هیچ وقت کینه ء کسی را

به دل نمی گرفتند . با یتیم ها مهربان بودند و آن ها  
را نوازش میکردند . هیچ وقت مغرور و خود خواه  
نبودند . با همه کس دوست بودند .  
وقتی سخن های وحیده خلاص شد قاسم از معلم  
صاحب اجازه خواست تا در باره ء حضرت  
محمد(ص) سخن بگوید . معلم صاحب اجازه داد و  
قاسم گفت : پیغمبر ما همیشه از خداوند(ج)  
میخواستند که ایشان را در کار های خوب کمک  
کند . هیچ وقت به کسی دروغ نمی گفتند . حرف  
زشت به کسی نمی گفتند ، قهر نمیشدند و هر کس  
را احترام میکردند . همیشه به تُخرد یا کلان اول  
سلام میدادند . هیچ وقت کالای قیمتی نمی پوشیدند  
با غریب ها دوست بودند و همراهی آن ها يك جا  
نان میخوردند .

بعد از سخن های قاسم معلم صاحب گفت که این  
اخلاق خوب پیغمبر ما بود که مردم به زودی مسلمان  
شدند و ما هم که پیرو شان هستیم باید گفته ها و  
کار های شان را پیروی کنیم تا خداوند (ج) ما را در  
هر کار خوب کمک کند .

خانه پُری و سوال ها :

۱- وحیده و قاسم شاگردان ..... در مکتب

..... خود هستند .

۲- هیچ وقت مغرور و ..... نبودند .

۳- به دیدن مریض ها ..... و از .....

شان خبر میگرفتند .

۴- ما پیرو ..... هستیم .

حضرت عمر (رض) - حضرت موسی (ع) - حضرت

آدم (ع) - حضرت محمد (ص)

۵- ما باید اخلاق خوب داشته باشیم تا :

- نان بخوریم - کتاب بخوانیم - هر جا برویم -

مسلمان خوب باشیم

۶- در باره اخلاق حضرت محمد (ص) نوشته

کنید .

## درس یازدهم (۱۱)

### حضرت ابوبکر صدیق (رض)

مردم بعد از وفات حضرت محمد(ص) حضرت

ابوبکر صدیق (رض) را به حیث خلیفه انتخاب

کردند . حضرت ابوبکر صدیق(رض) اولین خلیفه ء

اسلام است . نام پدر شان عثمان مشهور به ابوقهفه

بود . اسم مادر شان سلما و اسم دختر شان بی بی

عایشه (رض) است .

حضرت ابوبکر صدیق(رض) در کلان ها اولین نفر

بود که مسلمان شد . حضرت ابوبکر صدیق(رض)

بسیار صادق و راست گوی بود . در هر کار صداقت

میکرد ، به همین سبب بود که حضرت محمد(ص) او

را صدیق میگفت . حضرت ابوبکر صدیق (رض) به

جای حضرت محمد (ص) مردم را نماز میداد . در وقت خلافت حضرت ابوبکر صدیق (رض) ، مسلمان ها هر جای را که میگرفتند با مردم به بسیار مهربانی پیش آمد میکردند. معلم های زیاد به هر جا روان میشد تا به مردم درس های اسلامی بدهد . حضرت ابوبکر صدیق (رض) در سفری با حضرت محمد (ص) يك جا بود . مردم حضرت ابوبکر صدیق (رض) را از دل جان دوست داشتند . زندگی مردم در وقت خلافت شان بسیار آرام بود . حضرت ابوبکر صدیق (رض) بعد از دو سال خلافت وفات کردند .



سه سه بار نوشته کنید :

به حیث

خلیفه

انتخاب

اولین

مشهور

صادق

صداقت

خلافت

روان

اسلامی

معلم

بجای

میشد

جمله بسازید :

انتخاب

اولین

نام

دختر

راست گوی

مهربانی

سفر

یک جا

آرام

روان

صادق

وقت

اسلام

خانه پُری و سوال ها :

- ۱- حضرت ابوبکر صدیق (رض) .....  
خلیفه ء اسلام است .
- ۲- حضرت ابوبکر صدیق (رض) بسیار ..... و  
راست گوی بود . در هر کار ..... میکرد .
- ۳- مردم در وقت ابوبکر صدیق (رض) بسیار .....  
بودند .
- ۴- مردم بعد از وفات حضرت محمد(ص) .....  
..... به حیث ..... کردند .
- ۵- چرا حضرت ابوبکر صدیق (رض) را صدیق  
میگفتند ؟
- ۶- اولین مرد کلان که مسلمان شد کی بود ؟  
- بی بی عایشه (رض) - عثمان و سلما - حضرت  
ابوبکر صدیق (رض) - حضرت آدم (ع)

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header.

Handwritten text in the upper middle section of the page.

Handwritten text in the middle section of the page.

Handwritten text in the lower middle section of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.

Handwritten text in the lower section of the page.

Handwritten text at the bottom of the page.

## درس دوازدهم (۱۲)

### راست و دروغ

پدر زلمی يك باغچه دارد که در آن گل های رنگ  
رنگ کاشته است . يك روز که از بیرون می آمد دید  
يك بته ء گل شبو از جایش کنده شده است ، چند  
قدم دورتر دید يك بته ء گلاب شکسته است ، زلمی  
و دیگر اطفال را صدا کرد پرسید بته ء شبو را که  
کنده است ؟ همه چپ ماندند ، پدر زلمی از بوی  
شبو دانست که بته نزد کدام شان است اسد برادر  
زلمی را پیش خود خواست جیب آن را پالیدو بته را  
از جیب او کشید . اسد بسیار شرمنده شد. بعد

پرسید بته ء گلاب را که شکستانده ؟ زلمی جواب  
داد که بته را من سهواً شکستانده ام . پدر زلمی اسد  
را که دروغ گفته بود جزا داد و زلمی را که اگر چه  
کار درست نکرده بود و بته ء گلاب را شکستانده بود  
ولی چون راست گفته بود انعام داد .

سه سه بار نوشته کنید :

راست

دروغ

باغچه

کاشته

بیرون

بته

کنده

قدم

دورتر

صدا

کدام

جیب

شرمنده

جمله بسازید :

گل

کاشته

شکسته

اطفال

چپ

پالید

جزا

انعام

شرمنده

دروغ

کنده

راست

نزد



خانه پُری و سوال ها :

۱- ..... زلمی يك ..... دارد .

۲- يك بته ء گل ..... از ..... کنده

شده است .

۳- پرسید بته ء شبو را ..... است .

۴- ..... بسیار ..... شد .

۵- زلمی جواب داد که بته را .....

شکستانده ام .

۶- پدر زلمی در باغچه ء خود چه کاشته است ؟

.....

۷- کی دروغ گفت ؟ .....

۸- پدر زلمی کی را جزا داد و کی را انعام داد ؟

چرا ؟ .....

.....

Handwritten text at the top of the page, possibly a title or header.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line.

Handwritten text line at the bottom of the page.

## درس سیزدهم (۱۳)

### باغ

در باغ قسم قسم درخت ها است . درخت های سیب ، ناک ، توت ، زردآلو میوه میدهد . درخت های عکاسی ، بته های گلاب و یاسمن ، گل های خوشبو دارد . درخت های بید و چنار سایه های یخ دارد . پرنده های خوش خوان در باغ زندگی میکنند ، در شاخه های بلند آشیانه می سازند . آذر يك روز بر درخت بالا شد و میخواست چوچه ء فاخته را از آشیانه اش بگیرد ، زنبور در آستین او در آمد ، دست او را از چند جا نیش زد ، آذر وارخطا شد و از درخت به زیر افتاد ، بعد از آنروز عهد کرد که به آشیانه ء پرندگان دست نزند .

سه سه بار نوشته کنید :

باغ

درخت

سیب

میوه

گلاب

خوشبو

سایه

زندگی

آشیانه

چوچه

زنبور

آستین

نیش

جمله بسازید :

ناک

درخت

پرنده

بلند

وارخطا

افتاد

آشیانه

بالا

میوه

سایه

آستین

زندگی

عهد

خانه پُری و سوال ها :

۱- در باغ ..... درخت ها است ..

۲- درخت های پید و ..... سایه های .....

دارد .

۳- پرنده های ..... در باغ زندگی

می کنند ، در ..... های بلند .....

۴- آذر يك روز بر ..... بالا شد .

- میوه - خوشبو - سیب - درخت

۵- آذر عهد کرد که به آشیانه پرندگان :

- نان بگذارد - بالا نشود - زندگی کند - دست

نزند .

۶- آذر وارخطا شد و :

- از درخت بالا شد - به درخت دید - از چند جا

نیش زد - از درخت به زیر افتاد .

## درس چهاردهم (۱۴)

### زلمی در خانه

زلمی عادت های خوب دارد هر روز پیش از برآمدن آفتاب از خواب می خیزد . دست ، روی و دهن خود را خوب می شوید . دندان های خود را مسواک یا برس میزند ، باز کتاب خود را گرفته تا تیار شدن چای می خواند . هیچ وقت برای گرفتن کتاب و یا کالای خود سرگردان نمیشود ، چرا که هر چیز خود را به جای معلوم می گذارد . زلمی در وقت چای نوشیدن جنگ و جنجال نمی کند . در نان چاشت و شب با برادر و خواهر خود پهلو به پهلو می نشیند ، آهسته آهسته نان میخورد . لقمه ء خود را خوب می جود . بعد از نان خوردن فوراً خواب نمی کند . مادرش او را دوست دارد .

سه سه بار نوشته کنید:

عادت

پیش

آفتاب

خواب

دهن

می شوید

تیار

سرگردان

معلوم

جنگ

چاشت

شب

پهلو

آهسته



جمله بسازید :

دست

روی

عادت

خوب

تیار

معلوم

نوشیدن

خوردن

لقمه

سرگردان

هرروز

مسواک

چای

می جود

خانه پُری و سوال ها :

۱- زلمی در وقت چای ..... جنگ و .....  
نمی کند .

۲- دست و روی و ..... خود را .....

۳- آهسته ..... نان .....

۴- برای گرفتن کتاب و یا ..... خود .....  
نه می شود .

۵- زلمی در نان چاشت و شب با :

- کتاب ها می نشیند - پهلو به پهلو می نشیند - با مادرش

می نشیند - با برادر و خواهر خود پهلو به پهلو می نشیند

۶- زلمی در وقت چای نوشیدن :

جنگ نمی کند- جنجال نمی کند - لقمه ء خود را خوب

می جود - جنگ و جنجال نمی کند .

۷- زلمی چه وقت از خواب می خیزد؟

.....

## درس پانزدهم (۱۵)

من آب روان استم

در باغ روانم من      بر دشت دوانم من

من زنده کنم عالم      جان بخش جهانم من

من آب روان استم

من راحت جان استم

پائین شوم از کوه ها      پیچیده و غلطیده

تا پیش شما آیم      رقصیده و رقصیده

من آب روان استم

من راحت جان استم

گر من نروم در کشت      کی سبز شود گندم

از فیض وجود من      آسوده بود مردم

من آب روان استم

من راحت جان استم

(مائل)

سه سه بار نوشته کنید :

من

آب

روان

هستم

راحت

جان

زنده

دشت

کوه

شما

گندم

مردم

استم

## درس شانزدهم (۱۶)

### حاتم طائی و خارکن

از حاتم طائی پرسان کردند که در جهان از خود بلند  
همت تر دیده ای یا شنیده ای؟ گفت: بلی، یک روز  
چهل شتر برای امیران و بزرگان عرب قربانی کرده بودم.  
در همان روز به خاطر ضرورت به صحرا رفتم، یک خار  
کن را دیدم که یک پشتاره خار را کنده و جمع کرده  
بود. من به خارکن گفتم که چرا به مهمانی حاتم طائی  
نرفتی که همه مردم به مهمانی او جمع شده اند؟  
خارکن به من گفت: هر کس که از کار خود نان پیدا  
کند و بخورد هیچ وقت منت و احسان حاتم طائی را  
نمی کشد. من او را به همت و جوانمردی از خود بالاتر  
و خوبتر دیدم.

سه سه بار نوشته کنید :

قربانی

نان

پیدا

خار کن

مهمانی

بزرگ

جهان

شتر

صحرا

پشتاره

بالا تر

همت

ضرورت

چهل

جمله بسازید :

بزرگ

دیدم

خارکن

خار

پشتاره

صحرا

جمع

قربانی

گفتم

بلی

دیده ای

جهان

همان

جوانمردی

خانه پُری و سوال ها :

۱- يك خار کن را ..... که يك ..... خار  
را ..... و ..... کرده بود .

۲- از حاتم طائی ..... کردند که در .....  
از خود بلند همت تر ..... یا ..... ؟

۳- در همان روز به ..... ضرورت به .....  
رفتم .

۴- هر کس که از ..... خود نان ..... کند ..

۵- همت کی بلند تر است ؟

- حاتم طائی - خار کن - همه - مهمان

۶- چرا همت او بلند تر است ؟

.....

۷- خار کن به حاتم طائی چه گفت ؟

.....

.....



## درس هفدهم (۱۷)

### حضرت عمر فاروق (رض)

حضرت عمر فاروق (رض) خلیفه دوم اسلام است که بعد از وفات حضرت ابوبکر صدیق (رض) به سن پنجاه و يك (۵۱) سالگی به خلافت رسید و ده سال و شش ماه خلافت کرد. حضرت عمر (رض) مردی بود صمیمی، بسیار منظم و صادق. این صفت‌ها از طفلی در او دیده میشد. حضرت عمر فاروق (رض) به سپورت و پهلوانی بسیار علاقه داشت. او رئیس دولت بسیار با عدالت و با انصاف بود. او به حدی عادل بود که تمام سفر به بیت المقدس را در سوار شدن بر اشتر با شتربان نوبت کرد. یعنی برای يك مدت خود بر اشتر سوار میشد و ریسمان شتر را شتربان میگرفت و مدتی شتربان سوار میشد و

خلیفه ء اسلام ریسمان اشتر را میگرفت . وقتی به داخل شهر بیت المقدس شدند نوبت به شتربان رسیده بود تا سوار اشتر باشد . مردم حیران شدند که خلیفه ء اسلام یعنی رئیس دولت اسلامی ریسمان اشتر را به دست دارد و شخص دیگری بر اشتر سوار است . وقتی علت را پرسیدند ، فهمیدند که این کار از منتهای عدالت و انصاف حضرت عمر فاروق (رض) است . در آن جا مسجد بزرگی ساخته شد که خلیفه ء اسلام خودش در ساختن آن مثل دیگرها کار میکرد . برای غریب ها ، مریض ها و نفرهای که به کمک ضرورت داشتند از طرف دولت برای شان کمک میشد . مردم هر وقت می توانستند او را ببینند . خانه ، لباس و خوراک شان از مردم دیگر فرق نداشت . حضرت عمر فاروق (رض) در وقت نماز صبح از دست يك نفر به نام ابو لؤلؤ به شهادت رسیدند .

سه سه بار نوشته کنید :

صادق

خلافت

صمیمی

منظم

لباس

خوراك

مسجد

ريسمان

شتر

سفر

انصاف

حیران

رئیس

دولت

جمله بسازید:

دوم

ساختن

مسجد

سوار

شتربان

کمک

غریب

دولت

داخل

شهر

فهمیدند

بینند

فرق

هروقت

خانه پُری و سوال ها :

۱- حضرت عمر فاروق (رض) ..... است .

۲- حضرت عمر (رض) مردی بود ..... بسیار

..... و .....

۳- او رئیس دولت ..... با ..... و با ..... بود

۴- مردم حیران شدند که ..... یعنی .....

دولت ..... ریسمان ..... را به دست دارد .

۵- کی در ساختن مسجد مثل دیگر ها کار کرد ؟

.....

۶- خانه ، لباس و خوراک شان از مردم دیگر :

- کم فرق داشت - هیچ فرق نداشت - فرق نداشت

- بسیار فرق داشت

۸- حضرت عمر فاروق (رض) خلیفه ء چندم بودند ؟

.....

Handwritten text, likely bleed-through from the reverse side of the page. The text is extremely faint and illegible due to low contrast and blurring. It appears to be a list or series of notes, possibly containing mathematical or scientific information, but the specific content cannot be discerned.

درس هژدهم (۱۸)

حضرت عثمان (رض)

حضرت عمر (رض) پیش از اینکه وفات کند ، گفته بود که بعد از او خلیفه ء اسلام از بین شش نفر اصحابی پیغمبر انتخاب شود . مردم حضرت عثمان (رض) را که خلیفه ء سوم اسلام شد و به سن هفتاد (۷۰) سالگی بودند به خلافت انتخاب کردند . اسم پدر حضرت عثمان (رض) عفان بود . حضرت عثمان (رض) د راوایل پیشه ء تجارت داشت . او تمام دارائی خود را در راه مسلمانی و برای اسلام مصرف کرد . قرآن کریم را که در وقت حضرت ابوبکر صدیق (رض) نوشته شده بود دوباره ترتیب کرد و هفت نسخه نوشت به و هر جا روان کرد تا

مردم قرآن کریم را یاد بگیرند و مطابق آن کار کنند . بسیار مملکت ها دین مبارک اسلام را قبول کرده بودند . مثل عراق ، سوریه ، مصر ، ایران ، ترکیه . دین مبارک اسلام در زمان حضرت عثمان (رض) به افغانستان عزیز رسید . حضرت عثمان (رض) شخص بسیار نرم دل بود . با همه کس به بسیار مهربانی رویه میکرد . در تمام عمر خود حرف بد به کسی نگفته بود .

حضرت عثمان (رض) سرزمین های زیاد را مسلمان ساخت . مکتب های زیاد ساخت و معلم در هر جا روان میکرد . حضرت عثمان (رض) بعد از دوازده و نیم سال خلافت در حالیکه قرآن کریم میخواندند به شهادت رسیدند .



سه سه بار نوشته کنید :

گفته

بود

بین

شش

انتخاب

سوم

سن

اسم

شد

دارائی

مصرف

ترتیب

قبول

جمله بسازید :

مثل

شخص

مهربانی

رویه

حرف

ساخت

نرم دل

سن

انتخاب

وفات

اسلام

هفت

یاد

خانه پُری و سوال ها :

۱- حضرت عثمان (رض) خلیفه ء .....  
.....

اسلام است .

۲- قرآن کریم را که در ..... حضرت ابوبکر

صدیق (رض) نوشته ..... بود ..... ترتیب

کرد و ..... نسخه .....

۳- دین مبارک اسلام در وقت کی به افغانستان رسید؟  
.....

۴- کی قرآن کریم را دوباره ترتیب کرد و چند

نسخه نوشت ؟ .....  
.....

۵- پیشه ء حضرت عثمان (رض) در اوایل چه بود ؟  
.....

۶- حضرت عثمان (رض) از بین چند نفر اصحابی

انتخاب شد ؟ .....  
.....

1.  $\frac{1}{x^2} = x^{-2}$

2.  $\frac{1}{x^3} = x^{-3}$

3.  $\frac{1}{x^4} = x^{-4}$

4.  $\frac{1}{x^5} = x^{-5}$

5.  $\frac{1}{x^6} = x^{-6}$

6.  $\frac{1}{x^7} = x^{-7}$

7.  $\frac{1}{x^8} = x^{-8}$

8.  $\frac{1}{x^9} = x^{-9}$

9.  $\frac{1}{x^{10}} = x^{-10}$

10.  $\frac{1}{x^{11}} = x^{-11}$

11.  $\frac{1}{x^{12}} = x^{-12}$

12.  $\frac{1}{x^{13}} = x^{-13}$

13.  $\frac{1}{x^{14}} = x^{-14}$

14.  $\frac{1}{x^{15}} = x^{-15}$

درس نژدهم (۱۹)

## حضرت علی کرم اللہ وجہہ

حضرت علی کرم اللہ وجہہ یار چہارم حضرت پیغمبر است . مردم ایشان را بعد از فوت حضرت عثمان (رض) برای خلافت انتخاب کردند اسم پدر حضرت علی کرم اللہ وجہہ ابی طالب بود ابی طالب کاکای حضرت محمد (ص) بودند . بی بی فاطمہ ء زہرا دختر حضرت محمد (ص) و خانم حضرت علی کرم اللہ وجہہ بودند . در تربیہ حضرت علی کرم اللہ وجہہ از طفلی حضرت محمد (ص) توجہ داشتند . حضرت علی کرم اللہ وجہہ ده سالہ بود کہ مسلمان شد . حضرت علی کرم اللہ وجہہ بسیار دلاور بود . حضرت پیغمبر او

را شیر خدا میگفتند . حضرت علی کرم الله وجهه  
برای دین اسلام بسیار کار کرده و زحمت کشیده  
است . او حضرت پیغمبر را بسیار دوست داشت .  
يك وقت كافر ها می خواستند كه به خانه ء حضرت  
پیغمبر حمله كنند و حضرت پیغمبر را به قتل  
برسانند ، حضرت علی کرم الله وجهه آن شب در  
بستر حضرت پیغمبر خواب کرد و حضرت پیغمبر  
خدا از خانه بیرون شدند . حضرت علی کرم الله  
وجهه انسان بسیار راست کار و پرهیزگار بود .  
حضرت علی کرم الله وجهه به سپورت علاقه  
داشت . در دوره ء خلافت خود برای ترقی  
اسلام بسیار کار کرد . حضرت علی کرم الله وجهه  
بعد از شش سال خلافت در شب جمعه وفات  
کردند .

سه سه بار نوشته کنید :

چهارم

کاکا

خانم

تربیه

طفلی

دلاور

شیر

میگفتند

دین

زحمت

کافر

حمله

بستر

جمله بسازید :

بیرون

خانه

کار

علاقه

ترقی

جمعہ

توجہ

دہ سالہ

بسیار

دلاور

یک وقت

حملہ

انسان



خانہ پُری و سوال ها :

۱- حضرت علی کرم اللہ وجہہ یار .....

حضرت پیغمبر است .

۲- حضرت علی کرم اللہ وجہہ ..... بود

کہ مسلمان شد .

۳- حضرت علی کرم اللہ وجہہ بسیار ..... بود .

۴- حضرت پیغمبر اورا ..... میگفتند .

۵- حضرت علی کرم اللہ وجہہ انسان بسیار .....

و ..... بود .

۶- یار چہارم کی است ؟ .....

۷- حضرت علی کرم اللہ وجہہ چند سالہ بود کہ

مسلمان شد ؟ .....

۷- بی بی فاطمہ ء زہرا کی بود ؟ .....

.....

